

را گ شاد شخصیت با جوان زن یک خود خازنه در که ه جایی تا که رد فراموش را خود ت حصص یلات و درجه با آقای یک پ بیش سال چند دست بد که اردخ تر آن از که ه کردند ال تماس و نصیحت را او با ارها و با ارها خدا که شیش حتی و ب سست گذش و دوسه تن داشت ن گه خطرناک چنان او ب بیماری و شد ب بیمار سرانجام ت و انم نمی ت و انم، نمی ب و د این او باسخ ت نهها ب و د ب یهوده چیز همه اما ردارد ب او با مهربانی با و که رد سلام مرگ حال در مرد ب ه او آمد او دیدن ب ه اک نون خوب که شیش بگرفت قرار مرگ آستانه در که ه شد جوان ه نوز تو اما است، درست است، خطرناک تو ب بیماری عزیزم، دوست: گفت که شیش که کند جلب را او اعتمادتاک رد صحبت یک مازند که ندارد شما ب رای ضرری هیچ صورت، هر در اما، که بی پیدا به بود امیدوارم و داری قوی اساسی قانون هستی، من است، درست هستم بزکی خطر رد که دانم می: گفت مرگ حال در مرد پدر، آه» «کند صلح خدا با خوب مسیحی که شیش» بکنم باید چه بگو من ب ه پس دارم خوب مرگ آرزوی که نم اصلاح خواهم می اک نون اما ام، داشته بدی ب سبازندگی ب میری، خوب مرگ ب ه خواهی می چون خوب: گفت که شیش شد خوشحال ب سبازدید خوبی روحیه چندین در را او که ه این از اید؟ نکرد پ پرداخت که دارد وجود هائی بد هی آیا ب و د باسخ "میل، که مال با آه" «کبی آماده خوب اعتراف یک با را خود باید را خود همسایه هرگز آیا» ام داده پ ول آنها همه ب ه من: داد باسخ ب بیمار مرد پ رسید او از که شیش اعتراف شنیدن از قبل از یک هیچ ب ه نسبت آیا" "ام که رد هچ بران من اما ب له،" «ای؟ کرده مجروح اش دارایی یا نیک نام ب ه را او و ای نداده فربیب را مقدس های آیین آخرین خواهی می آیا پس" «کنم می عذرخواهی متواضعانه من ب له،" "ندارد؟ بدخواهی خود همسایگان دریافته را مقدس های آیین آخرین دخواهی می که آنجایی از پس خب: گفت که شیش "دارم آرزو وجودم تمام با" "کبی ؟ دریافته دختر این ب گذارید که نار دارد وجود خدا فیض را ه سر بر که ه را مازعی هر باید که داند می کند، گناه احساس ب رای دایمی موقعیت یک شما ب رای ه نوز او کن بیرون خودت خونه از رو شیاطون را دختر آن چیست؟ ورت منظر: گفت مرگ حال در مرد "پدرای" بفرستی باید تو است این ت و انم نمی من" فرستی؟ نمی را او خودت میل ب ه چرا کن رها را او دیدگر لحظه چند اب فرست این ب ه: زد فرباد صلیب که شنیدن بیرون با که شیش "او ه" ت و انم نمی واقعا دهم، انجام را که ار تو ب رای او رگ گذاشت دو که شنید رنج شما ب رای شما، پروردگار ما، دهنده نجات کن ن گاه صلیب هایش زخم ب ه آه ده مید؟ نمی انجام او رضایت ب رای را که کوچک فداکاری این آیا ریه بخت را دلش خون عیسی، عشق ب ه کبی؟ انکار را او توالی می آیا- ب بین خارا از تاحی با را م بارک ش سر کن؛ ن گاه «فرستید؟ نمی مسیح عیسی محبت ب رای حداقل را بشری رزن آن آیا ب یامرز را خود ب بیچاره روح من ن فرستی، را او اگر اما" «دهم انجام را که ار این ت و انم نمی که هام گفته شما ب ه قبلاً من پدر،" آسمان ملاکوت از" «دهم انجام را که ار این ت و انم نمی من نیست، مهم" «بپرستم را تو ت و انم نمی را شما مرد خواهید شده فربرتک شما" «کنم آن ب ه کم بکی ت و انم نمی من خب،" "شد خواهید طرد که بکی ت و انم نمی من" «انداخت که نار چندین سقط یا سگ مازند که رد، دفن مقدس زمین در ت و ان نمی مرد سپس «خدا؟ خود و بهشت نه و" «شد خواهید لعلت ابدی های شعله ب ه شما اما" «کنم آن ب ه دور را دس تانیش و که رد ار هاش ب و د ای ستاده او از ای فاصله در که ه بد بختی زن ب ه مرگ حال در "ابدیت تمام در و مرگ در آه: زد فرباد لرزید می اشتهایق و ضعف از که ه صدایی انداخت، او گردن و زندگی ب ه بود ب رای که ه کسی یک ب رای است سخت چقدر آه که شنید را آخر نفس او لحظه آن در ب و د او سخنان آخرین این ن کنند، تمام جهنم در را عادت این که ه است سخت ب رایش چقدر است که رده عادت عادت این ب ه خدا سوی ب ه خالصانه ب ازگشت¹



St. Paul the Apostle (67? A.D.):

گناه خود بدن ب ه کند زنا که ه هر اما است، بدن بدون شود می مرتکب ازسان که ه گناهی هر [ازدواج از قبل رابطه] فحشا» است که رد ه²

Pope Pius XI (1922-1939 A.D.):

عمداً کنند، می عمل آن ب ه که که سانی است، مثل ت و لید ب رای اول درجه در [ازدواج] زناشویی عمل که آنجایی از ب نابراین،» راط بیعت ب ه گناه ارتکاب قصد و کنند می خدثی را [ساز عقییم خودار ضایی، بارداری، ضد های قرص با] آن ط بیعی قدرت است ستر ذات او آور شرم عمل این دارند،³

The Holy Latin Vulgate Bible:

این کس هر زی را کند، است فاده زنا نه ل باس از ن باید مرد و ب پوشد [تنگ لباس... و شورت شلوار] مردانه ل باس ن باید زن⁴ است [فاسق و گناه کار] م کروه خدا ن زده دهد انجام را که ارها

Pope Leo XIII (1878-1903 A.D.):

دلیلی هر ب ه است ممکن که ه نکند ف کر کس هیچ اند، که رده ت کرار ب ارها [گذشته های باپ] ما پ بیش یزبان که ه همان طور فربیب کس ه بیج باشد قائل ارزش باید که ه آن طور خود ابدی نجات و کاتولیک نام ب رای اگر ب پیوندد، فراماسوئری ب ه اخلاق و دین خلاف آشکارا که ه خواهند نمی را چیزی که ه کنند ف کر است ممکن هاما سون از ب رخی ذخورد را صداقت ب ه ت ظاهر جایز آنها ب ه که مک یا افرا د این ب ه پیوستن است، جنایی و شیاطانی امور در فرقه هدف و منشأ که آنجایی از اما باشد نیست.

For more information, please email: trycatholic@aol.com - ب زنی دایم میل ب بیش تر اطلاعات ب رای لطفا

¹ *The Prodigal Son or The Sinner's Return to God*, Tan Books, Rockford, IL., [1897] 1983, pp. 26-28.

² 1 Corinthians 6:18.

³ Papal Encyclical Letter Casti *Connubii*, Article 54, Dec. 31, 1930.

⁴ Deuteronomy 22:5.

ایمانی راز و رمز این دارد را از انسان فطرت و خدا فطرت او است. شخص یک حال عین در و واقع بی انسان و واقع بی خدای مسیح عیسی مسیح عیسی است. کرده نه وکیش که اتوولیک که لیسای انداز به به دیدگری دین هیچ. ندمع تقد آن به به ها که اتوولیک که است این کس هیچ. که رزنده مردهگان از را خود و مرد که رز، زندگی داد، غذا مردم به به داد، شفا را لنگان که ورها، بیمار، خداست، که مطمئن من است؟ "گناه بی." اسلام آیا؟ نکرد زنده را خود مسیح جز که سی چرا چرا؟ به پرسم تو ازم می است، نکرده را که ار که لیسای خطانا پذیر روی می که سی چه و که جا به به معصومیت عطای بدون. بود خواهد "نه" این به به شما پاسخ که به هستم وعده است، شده ساخته آن روی به رک لیساکه ای صخره پیترا، سنت به به مسیح که است ای هدیه به به بزرگ تری آن که اتوولیک سرگردانند زمین روی نه فرچند. شد نخواهد غالب او مقدس که لیسای به به هرگز جهنم های دروازه که به ددا وعده مسیح است داد به به که اتوولیک والهی ایمان و است که اتوولیک ایمان راز مقدس تثلیث ایزاد که نند؟ فکر حضرتش یا خدا به به ای نه که بدون دارد؟ حقیقت آیا اما رسد؟ می نظر به به تناقض باشند؟ یکی تواند می سه چگونه: به پر سید خود است ممکن است مع تقد که جا از خدا «از» جز به سه هستند واقع بی خدای یک حال عین در والهی شخص سه ال قدس روح خدای و به سر خدای پدر، خدای به به، این به به است، ال قدس روح خدای دارند، به سرو پدر که الهی عشق دارد؟ حقیقت آیا است، «خدا» آید، می خدا از که به چیزی هر آمد؟ بخار، تواند می آب است؟ درست باشد چیز سه تواند می آب خوب، چیست؟ آب همچونین. گفتم چون نیست درست است درست عطای بدون را خود واقع بی دین هرگز خداوند یقیناً است؟ درست چیز، یک اما سه هستند چیز سه آنها باشد، مایع و (جامد) یخ (Matthew 16:18-19; John 1:42; John 1:1; 1 John 5:7). ست؟ بی ای منظور که نند، نمی رها عصمت

تعمید طریق از را مردم تا آمد مسیح نیست درست نه، دهد؟ نجات ابودی مرگ و جهنم دردهای از را انسان تواند می ختنه آیا ندارد وجود مقدس تعمید بدون ابودی نجات هیچ گفتم، یوحنا انجیل در مسیح که به همان طور. بشوید گناهان شان از مقدس یهودیان که است دلایل همین به به دهد، انجام را که این تواند می خدا فقط و دهد نجات گناهان شان از را ها از انسان تا آمد مسیح (John 3:5). که رد پدر خدای با به رابری ادعای او که زمانی که رددند، متهم که فرگویی به به را مسیح

ویران مسجد زیاده احوال به به و که رد خواهد سلطنت اورشلیم در دروغ بین مسیح است جهان نزدیک پائیان به یمنید می امروز آنچه را گناهان و هادروغ همه پدر شیطان، فریب دروغ بین ادیان از به بسیاری و اند داده فریب را اسلام و جهان یهودیان. شد خواهد تو به ما گناهان برای و نکنند فکر او که اتوولیک که لیسای و مسیح به به که کند می و سوسه را انسان که که سی. اند خورده نه فو که لیسای به به ها فراماسون زمان آن از. درگذشت 1958 سال در که به بود دوازدهم پیموس واقع بی پاپ آخرین این، به به علاوه. که نند یا که لیسای از خارج در نجلی " هیچ این، به به علاوه. نشدند پیرو زواقعی که اتوولیک که لیسای و مسیح به به هرگز اما که رددند ذکر سنتی اصطلاح به به های که اتوولیک از به بسیاری توسط ندرت به به که است دکتری بی این. ندارد وجود نگناهان بخشش (Matthew 18:17; 2 John 1:7). است نشده ذکر دوم واتی کهان قیامت روز فرقه توسط هرگز و است شده

به روح خدا رحمت به به حالا

(Matthew 16:18). که اتوولیک که لیسای دارد، وجود واقع بی که لیسای یک و واقع بی خدای یک تنها

ناقص مجد اگر نه نوشت؟ را (قرآن) قرآن خط یک هرگز مجد چرا دارد؟ وجود قرآن از نسخه همه این چرا دارد، حقیقت اسلام اگر از هرگز زاما است، شده یادلذت از غالباً اسلام در چرا شود؟ می متولد اند که رده گناه که به پدری و مادر از و گناه از چگونه است، که شید؟ طول اینقدر چرا که رز، ظهور هفتم قرن در اسلام وقت است؟ نه یامده میان به به سخنی خدا و به هشت زیربانی و آرامش خود قوم نجات برای مجد زمانی چه دارد، حقیقت اسلام اگر دارد؟ وجود آن در تفرقه و جناح همه این چرا دارد حقیقت اسلام اگر دین این یهودیان، مانند است بدی و دروغ هر پدر شیطان، جاذب از و دروغ بین دینی اسلام هم تأسفان به نابراین، شود؟ می ظاهر خدا خود نه است، انسان دین و دروغ بین

Saint Peter Mavimenus (8th Century A.D.):

⁵. است شده نه فریدن شما، دروغ بین پیامبر مجد، مانند نه پذیرد، را که اتوولیک مسیحیت کس هر

جهنم های چاله از مستقیماً است خوب دیدگری انداز به به دین یک - تفرافی بی - دین

Saint Paul the Apostle (67 A.D.):

دریافت آنچه از غیر که نند، می توهمین ایم، داده به شارت شما به به ما آنچه از غیر انجیلی شما به به آسمان از ای فرشته یا ما اگر اما» (Galatians 1:8). «که نید احوال می بی او به به اید که رده

CHRIST (GOD):

(Matthew 22:32). است زندگان خدای به به که نه نیست، مردهگان خدای او سه تم؟ یعقوب خدای و اسحاق خدای و ابراهیم خدای من

CHRIST (GOD):

(John 14:6). آید نمی پدر زند من و سه یله به به جز کس هیچ. سه تم زندگی و حقیقت راه، من

CHRIST (GOD):

پدر چطور. ندیب می را پدر نه، دب می مرا که یک س پ، یلیف دی شناسی نام مرا شما و سه تم شما با که است یادی مدت ای آ (John 14:9). دی؟ نه شان ما به را

"یابد نجات او و سه یله به به جهان تا به به که که نند، داوری را جهان تا نه فرستاد جهان به به را خود به به سر خدا زی را" **CHRIST (GOD):**

⁵ *Martyrologium Romanum* [Feb. 21] p. 42, edition 1948; See also: *The Roman Martyrology* [Feb. 21] p. 37, edited by: Canon J.B. O’Connell, The Newman Press, Westminster, Maryland, 1962. For more information, please email: trycatholic@aol.com